



بررسی رقابت استراتژیکی ایالات متحده آمریکا با چین با تأکید بر سیاست خارجی بایدن

عباسعلی طالبی^۱

محمد رضا موسوی^۲

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

^۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد سوادکوه دانشگاه آزاد، سوادکوه، ایران talebi_abbas@yahoo.com

^۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران smr.mousavi@kut.ac.ir

چکیده

طی دودهمه اخیر، رقابت استراتژیک میان آمریکا و چین به یکی از محورهای قانونی تحولات نظام بین‌الملل تبدیل شده است. این تقابل نه تنها ابعاد اقتصادی، امنیتی، فناورانه و ژئوپلیتیکی را دربر گرفته بلکه، روابط دو جانبه این دو قدرت بزرگ و ساختار نظم جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با آغاز ریاست جمهوری بایدن در سال ۲۰۲۱، سیاست خارجی آمریکا در قبال چین دستخوش تحولاتی شده که واجد ویژگی‌های تداوم و تمایز نسبت به دوران پیشین است. این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از چارچوب نظری رئالیسم تهاجمی با تمرکز بر رقابت استراتژیک آمریکا با چین در دوره بایدن به طرح این سؤال پرداخته که اهداف آمریکا در مواجهه با چین چه بوده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شد، به نظرمی رسد بایدن با تغییر تاکتیک و اتخاذ شیوه‌های مبتنی بر مذاکره و جلب اتحاد با دیگر بازیگران مهم اقتصاد جهان، پشتوانه قوی‌تری برای تداوم جنگ تجاری با چین برای دولتش فراهم کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد اولاً بایدن برخلاف رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه ترامپ با بازسازی و تقویت اتحاد‌های منطقه‌ای (مانند کواد و آکوس)، محدودسازی دسترسی به فناوری‌های پیشرفته از طریق (تحریم‌ها و ممنوعیت‌های صادراتی) را در قلب رقابت استراتژیک خود علیه چین قرار داده بود. ثانیاً دیپلماسی بایدن بر مفهوم رقابت شدید اما مسئولانه تأکید داشت. این دولت به دنبال تعریف کف یا حاشیه امن برای این رقابت بود تا از تبدیل آن به درگیری مستقیم جلوگیری کند. ثالثاً ماهیت و منطقی این رقابت‌ها سرشار از تناقضات ذاتی از رقابت تا همکاری در تغییرات اقلیمی، بهداشت و سلامت بوده است.

• واژگان کلیدی

سیاست خارجی آمریکا، چین، رقابت استراتژیک، رئالیسم تهاجمی.

مقدمه

بخش مهمی از ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل در دو دهه اخیر بر موضوع جابجایی درآرایش قدرتهای برتر و هژمون در جهان تمرکز دارد. اساساً از ابتدای تشکیل نظام جهانی در شکل مدرن آن همواره موضوع ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ یک بحث مسلط از مناظرات جاری در سیاست بین‌الملل را تشکیل داده‌است. برهمن اساس در دوره کنونی نیز تغییر درصفت بندی‌های قدرت‌های بزرگ به موضوع رایج و شایع در مباحثات مراکز و مجامع سیاسی و رسانه‌ای تبدیل شده‌است. تشدید این مباحث در مقطع فعلی بیش از هر چیز متأثر از افزایش نشانه‌ها و شاخص‌های تأییدکننده رقابت استراتژیکی امریکا در برابر چین است (طالبی، مراد پیری و جلالی‌راد، ۱۴۰۲: ۵۸). ظهور چین به‌عنوان رقیب بالقوه برای تسلط غرب به رهبری امریکا نشان‌دهنده بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ در نظم بین‌المللی جدید است. در حال حاضر چین دومین اقتصاد بزرگ جهان، در مسیر پیشی گرفتن از ایالات متحده تا سال ۲۰۳۰ و تبدیل شدن به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان قرار دارد. رشد چین به‌عنوان یک قدرت جهانی از نظر فناوری و نظامی، ایالات متحده و برخی از متحدانش را ناآرام کرده و طی دوده دولت آمریکا، چین را جدی‌ترین تهدید برای هژمونی خود شناسایی کرده‌است. یکی از صریح‌ترین و گویاترین ارزیابی‌ها از نقش چین در نظام بین‌المللی را آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده، در سخنرانی خود در دانشگاه جرج واشنگتن در ماه مه ۲۰۲۲ ارائه نمود. وی با صراحت اعلام کرد که چین تنها کشوری است که هم اراده تغییر نظم بین‌المللی موجود را دارد و هم از توان اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری لازم برای محقق ساختن این هدف برخوردار است (Blinken, May 26, 2022). چشم‌انداز پکن ما را از ارزش‌های جهانی که در ۷۵ سال گذشته پیشرفت‌های زیادی در جهان داشته دور می‌کند. کشورها به اقدامات خود در سیاست خارجی از دریچه منافع ملی می‌نگرند، اما انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند به برداشت رهبران و نحوه انتخاب آن‌ها برای تعریف و تعقیب منافع ملی بستگی به شرایطی دارد که در آن قرار دارند. سیاست خارجی ایالات متحده همیشه نسبت به چین، بین تعامل و تنش در نوسان بوده و آمریکا همواره در عرصه سیاست خارجی سعی کرده با توجه به مقدرات داخلی و فرصت‌سازی خارجی ضمن حفظ برتری قدرت خود در نظم جهانی، روابط خود را با بازیگران بین‌المللی و متحدان سنتی خود حفظ و ساماندهی کند. این سیاست گاهی یک‌جانبه و مبتنی بر منطق

بازدارندگی در عرصه جهانی مستقل عمل کرده و گاه با آموزه‌ها و رویکردهای متفاوت و مطابق با اندیشه‌های لیبرالیستی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی، در جهت تأمین منافع و حفظ سیادت و برتری خود اقدام به کنشگری کرده‌است (طالبی، ۱۴۰۳: ۱۲۵). بایدن با تأسی به گزاره تغییر در روش‌ها، رویکرد جدیدی نسبت به چین اتخاذ کرده، که این امر نشان دهنده تغییر جهت و یا بازنگری نسبت به سیاست‌های ترامپ می‌باشد. مناسبات آمریکا با چین تحت تأثیر رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا نه تنها یکی از اساسی‌ترین مباحث راهبردی جهان معاصر بوده، بلکه یکی از مهمترین مباحث اساسی نظام بین‌الملل کنونی است. علت اهمیت این رابطه نحوه اثرگذاری آن بر ماهیت مناسبات بین‌المللی در تأمین ثبات اقتصادی، امنیت بین‌المللی، تسلیحات و فناوری و بحران‌های فرامرزی در دهه‌های آینده است. در دهه اخیر چین پیوسته به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی ایالات متحده شناسایی شده و تقریباً اکثر نخبگان آمریکایی بر مسئله بودن چین برای ایالات متحده اجماع نظر دارند و آنرا به‌عنوان موضوعی فراجناحی، فراحزبی و فراگیر در نظر می‌گیرند. مرکز پژوهش‌های پیو^۱ در اوایل سال ۲۰۲۱ در گزارشی اعلام کرد که بخش بزرگی از مردم آمریکا (۶۷ درصد)، دیدگاه منفی نسبت به چین دارند و این درصد نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی از ۴۶ درصد افرادی است که در سال ۲۰۱۸ دیدگاه مشابهی داشتند. تقریباً ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان محدود کردن قدرت و نفوذ چین را به‌عنوان هدف اصلی سیاست خارجی ایالات متحده شناسایی کردند. ۵۵ درصد از مردم آمریکا تیک تاک را ابزار جاسوسی چین در آمریکا تلقی می‌کنند. حتی شورای شیکاگو در گزارشی اعلام کرد که ۵۵ درصد آمریکایی‌ها به صعود چین به‌عنوان تهدیدی جدی برای منافع مهم ایالات متحده نگاه می‌کنند. این مقاله با تمرکز بر رقابت استراتژیک آمریکا با چین در دوره بایدن به طرح این سؤال پرداخته که اهداف آمریکا در مواجهه با چین چه بوده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شد، به نظر می‌رسد بایدن با تغییر تاکتیک و اتخاذ رویکرد مبتنی بر مذاکره و همچنین جلب اتحاد با دیگر بازیگران مهم اقتصاد جهان، پشتوانه قوی‌تری برای تداوم رویکرد تقابلی جنگ تجاری با چین برای دولتش فراهم کرده‌است. رویکرد پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و چارچوب نظری آن براساس رئالیسم تهاجمی بنا نهاده شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز نیز مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در منابع اینترنتی می‌باشد.

^۱. PEW

۱- پیشینه تحقیق

الیزاخلیل، قرقه العین شهید و وکیل عمران^۱ (۲۰۲۵)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست تجاری ایالات متحده و چین در دوره بایدن: یک تحلیل انتقادی»، به بررسی سیاست‌های تجاری ایالات متحده در برابر چین در دوره بایدن پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در یک دهه اخیر تغییر مداوم در سیاست‌های تجاری ایالات متحده برای ایجاد تعادل بین اولویت‌های اقتصادی و صف بندی‌های سیاسی با چین مشاهده می‌شود. شون بائو (2023)^۲، در کتابی با عنوان «سیاست تجاری دولت بایدن وعده‌ها و واقعیت‌ها» به‌طور انتقادی تصمیمات سیاست خارجی بایدن را در مقایسه با پیشینیان او تجزیه و تحلیل کرده‌است. نویسنده معتقد است بایدن نسبت به ترامپ در سیاستگذاری‌ها فاقد رویکرد واحد در مناسبات با چین بوده‌است. زارعی و موسوی شهیدی (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «وارسی راهبردهای ژئوپلیتیک امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در ارتباط با چین در دوره جو بایدن» به بررسی مناسبات آمریکا با چین پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سیاست بایدن در بعضی از حوزه‌ها تهدیدآمیز و در حوزه بهداشت و تغییرات زیست محیطی همراه با تعامل بوده‌است. زارعی، دعاگوی روزبهانی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی دولت بایدن در قبال چین با تمرکز بر مسئله تایوان» راهبردهای سیاست خارجی آمریکا را در قبال اختلافات چین با تایوان مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته نشان می‌دهد در دوران گذار ایالات متحده بر مهاب رقبا خود به‌ویژه چین متمرکز شده‌است. تا از این طریق روند افول خود و پیشتازی رقبا را مدیریت کند. دهشیار، پورباقر (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «رقابت راهبردی آمریکا و چین در طرح زیرساختی جهانی بهتر و کمربند-راه»، به بررسی راهکارهای آمریکا در مقابل طرح راهبردی ابتکار راه چین پرداختند. نویسندگان معتقدند که روابط آمریکا با چین در بعضی از حوزه‌ها رقابتی و همراه با تحرکات نظامی خفیف و در بعضی از حوزه‌ها با همکاری همراه بوده‌است. النزی^۳ (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «رویکرد رقابتی استراتژیک بایدن در قبال چین»، به بررسی روابط چین با آمریکا پرداخته و یافته‌ها نشان می‌دهد بایدن با توجه به اقتضات زمانی با تأسی به گزاره تغییر در روش‌ها ضمن ادامه برنامه‌های سلف خود تعامل و تهدید را همزمان به پیش برده‌است.^۴ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «دکترین

1. Aliza, Khalil, Quart Ain Shahid, & Wakil Imran

2. Thomas J. Schoenbaum

3. Alenezy

4. kim

بایدن و واکنش چین، *اقتدارگرایی در مقابل دموکراسی*» به بررسی جایگاه دموکراسی و ارزش‌های لیبرالیسم در دکتین بایدن پرداخته‌است. نویسنده معتقد است که دموکراسی و ارزش‌های لیبرالیسم به اصل سازمان دهنده دکتین تبدیل شده و آمریکا برای ایجاد مزیت رقابتی در برابر چین بر تقویت اتحادها متمرکز شده‌است. دالی جی^۱ (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تفکر استراتژیک در حال تحول ایالات متحده در مورد تایوان» استدلال کرده که در چارچوب تشدید رقابت ایالات متحده با چین در دوران ترامپ و بایدن، تفکر استراتژیک ایالات متحده در مورد تایوان تکامل یافته‌است. به این ترتیب، جدایی تایوان از چین را در راستای خلاف منافع ملی ایالات متحده تفسیر کرده‌است. دیوید کوئه^۲ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت وضعیت موجود: تدویم و تغییر در سیاست تایوان»، به بررسی سیاست‌های بایدن درباره تنش چین با تایوان پرداخته‌است. نتایج نشان می‌دهد بایدن برخلاف پیش‌بینی‌ها به حمایت از تایوان ادامه داده و تایوان کماکان به عنوان یکی از ارکان رقابت ژئواستراتژیک آمریکا با چین باقی خواهد ماند. هیوت و جیانگیو^۳ (۲۰۲۲)، در مقاله تحت عنوان «روابط تجاری آمریکا با چین در دوران بایدن»، به بررسی روابط تجاری آمریکا با چین در دوران بایدن پرداخته و تأکید کرده‌اند که سیاست بایدن در حوزه صنعتی پررنگ‌تر بوده و به صنایع آسیب‌دیده کمک مالی قابل توجهی (حدود ۲۵۰ میلیون دلار) اختصاص داده شده‌است. نوآوری این تحقیق آن است که در تحقیقات یاد شده تمرکز بر ابعاد چندلایه رقابت، بررسی همزمان تعادل سه بعد رقابت اقتصادی، نظامی و فناوری صورت نگرفته‌است.

۲- مبانی نظری: رئالیسم تهاجمی

در تحریر این مقاله تلاش شده تا رقابت میان چین و آمریکا از منظر رئالیسم تهاجمی مورد بررسی قرار گیرد. اصطلاح رئالیسم تهاجمی را اولین بار جک اسنایدر^۴ در توصیف نظام بین‌الملل به کاربرد (Synder, 1991:21).

از دیدگاه رئالیسم تهاجمی ویژگی اصلی نظام بین‌الملل، آنارشی بودن آن است، آنارشی به معنای فقدان حاکمیت جهانی است (Taliaferro, 2000). واقع‌گرایی تهاجمی با توجه به مبانی رئالیستی

1. Dalei jie

2. David Kueh

3. Hewett & Jiangyu

4. snyder

خود مدعی‌اند که آشوب زده بودن نظام جهانی باعث رفتارهای متناقض دولت‌ها در محیط آنارشیک بین‌الملل است (Snyder, 2002: 155). از دید واقع‌گرایان تهاجمی، آنارشی بین‌المللی عموماً از نوع هابز است که در آن امنیت امری کمیاب و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن امنیت یا امتیازات نسبی خود به آن نائل شوند (مشیرزاده، ۱۳۰: ۱۳۹۴). واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که پس از پایان جنگ سرد نظام بین‌الملل شاهد شکل‌گیری نظام تک قطبی و ایالات متحده به تنهایی به ابرقدرت جهان تبدیل شد. در این دوره آمریکا علیرغم شکاف زیاد، توجه زیادی به چین به عنوان تهدید بالقوه برای برتری جهان خود نداشت. علاوه بر آن چین هم تا حد امکان از افشای هرگونه نشان یا نیتی که حاکی از تمایل هژمونی جهانی باشد اجتناب کرد (Mathews, 2019: 6). با این وجود رئالیسم تهاجمی مدعی است که نظام بین‌الملل نمی‌تواند برای مدت طولانی از وضعیت با ثبات و صلح برخوردار باشد. به‌ویژه اگر مشخصه نظام تک قطبی باشد. از آنجا که قدرت‌های تجدیدنظرطلب ناراضی از وضعیت موجود نظام بین‌الملل هستند، یا به دنبال هژمونی هستند، منتظر زمان مناسب برای به چالش کشیدن یا جایگزینی آن هستند (Mearsheimer, 2001, 2). رئالیست‌های تهاجمی مدت‌هاست که چین را ناراضی‌ترین قدرت از وضعیت موجود نظام بین‌الملل می‌دانند. این یک قدرت تجدیدنظرطلب است که بر اساس ملاحظات تاریخی و ایدئولوژیکی به دنبال هژمونی جهانی است، اما منتظر زمان مناسب برای به چالش کشیدن هژمونی ایالات متحده است (Mathews, 2019: 6). میرشایمر استدلال می‌کند که چین از طریق قدرت اقتصادی روبه‌رشد خود به دنبال یک قدرت نظامی و هژمونی منطقه‌ای در آسیا به قیمت کاهش حضور گسترده ایالات متحده در آسیا خواهد بود (Alenezi, 2023, 65). از سال ۲۰۰۸ آمریکا الگوهای روابط خود با چین را به عنوان یک تهدید واقعی برای هژمون خود مورد بازبینی و تجدید نظر قرار داده است. این تغییرنگرش، تحت تاثیر عوامل متعددی از جمله کاهش توازن قدرت اقتصادی به نفع چین، پیشی گرفتن این کشور در حوزه فناوری و ارتقای چشمگیر وجهه جهانی آن پس از میزبانی موفقیت آمیز المپیک ۲۰۰۸ بود که جهان را بهت زده کرد (Larres, 2022, 131). اما خطرناک‌ترین تغییر نسبی در سیاست چین در مورد موضوعات بسیار حساس، به‌ویژه در مورد دریای چین جنوبی و تایوان می‌باشد (Alenezi, 2020: 30). هنگامی که شی جین‌پینگ^۱ در سال ۲۰۱۳ در چین به قدرت رسید، به‌طور ضمنی به ایالات متحده هشدار داد که چین تحت رهبری او یک قدرت

^۱. Xi Jinping

تجدیدنظرطلب آشکار است که به دنبال به چالش کشیدن هژمونی ایالات متحده یا جایگزینی آن به عنوان رهبر جدید جهانی است (Alenezi, 2020, 109). شی جین پینگ در دیدار با اوباما در سال ۲۰۱۲ از انگیزه‌های خود و افزایش فزاینده قدرت اقتصادی و دیپلماتیک چین و از رویای خود برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی به تفصیل سخن گفت. شی جی پینگ از زمانی که به قدرت رسید، سه اولویت اساسی را در دستور کار قرارداد. اول، از سیاست سنتی فاصله گرفته و سیاست خارجی چین را به سمت قاطعیت بیشتر، به ویژه نسبت به منافع ملی چین تغییر داد. دوم، بودجه تسلیحاتی را برای ایجاد یک ارتش بسیار قدرتمند و مدرن دو برابر کرد. سوم، ابتکار یک کمربند و یک راه^۱ را آغاز کرد که یک استراتژی جهانی بسیار غول‌پیکر است که یک میلیارد دلار تخمین زده می‌شود تا از این طریق اولاً نفوذ ژئوپلیتیکی چین را تحکیم بخشیده و ثانیاً سیستم لیبرال جهانی به رهبری ایالات متحده را با چالش مواجه کند (Nathan, 2021, 389; Larres, 2022, 130-132). از منظر رئالیسم ته‌اجمی، برای حفظ هژمونی جهانی خود قدرت حاکم نمی‌تواند به قدرت تجدیدنظرطلب در حال ظهور اجازه دهد تا هژمونی جهانی را به چنگ آورد. به ویژه، میرشایمر پیش‌بینی کرد که ایالات متحده هرگز اجازه نخواهد داد چین به یک هژمونی جهانی تبدیل شود. این کشور به هر طریق ممکن به دنبال مهار یا تضعیف رشد چین خواهد بود (Alenezi, 2022, 66). بر این اساس، روابط ایالات متحده و چین از زمان شی‌جین پینگ به طور کامل از "تعامل استراتژیک به رقابت استراتژیک" تغییر کرده است. جهان واقعاً شاهد یک جنگ سرد جدید بین ایالات متحده و چین بوده است. دولت اوباما در سال ۲۰۱۱ در استراتژی «چرخش آسیا» منافع آمریکا را به سوی آسیا واقیانوسیه به طور عام و شرق آسیا به طور خاص معطوف کرد (فیضی، غفوریان، ۱۴۰۲: ۹۳). استراتژی چرخش آسیا اوباما در راستای مهار چین به اجرا درآمد که مطابق با آن، استراتژی نظامی چین را به عنوان یک رقیب توصیف کرده است. ترامپ در برابر رشد فزاینده چین در آسیا سیاست‌های بسیار سختی را در قبال آن در پیش گرفت که منجر به کاهش شدید روابط دو کشور شد. تا جایی که استراتژی امنیت ملی در سال ۲۰۱۷ و استراتژی دفاع ملی در سال ۲۰۱۸ رقابت با چین را تصدیق کرده‌اند (O'Rourke, 2022, 12). بر این اساس، تداوم رقابت استراتژیک دولت بایدن در

۱. one Belt, one Road-9 ابتکار یک کمربند و یک راه شبکه جامعی از پروژه‌های زیر ساختی که از چین شروع می‌شود و با گذشت از آسیا و اورا آسیا تا خاورمیانه و اتحادیه اروپا ادامه پیدا می‌کند. این ابتکارستون فقرات سیاست خارجی دولت فعلی را تشکیل می‌دهد.

قبال چین را می‌توان به‌عنوان واکنشی به تهدید جدی و فزاینده چین برای هژمونی جهانی آمریکا توضیح داد. رئالیسم تهاجمی به‌دلیل تأکید بر رقابت ذاتی قدرت‌های بزرگ، تلاش برای هژمونی و نقش محوری قدرت نظامی، چارچوب مناسبی برای تحلیل روابط آمریکا و چین در دوره بایدن است. دلایل استفاده از این چارچوب نظری این است که این نظریه توضیح می‌دهد که چرا حتی در صورت عدم وجود درگیری مستقیم، دوکشوردریک رقابت استراتژیکی عمیق قرار دارند و هر یک سعی در تضعیف موقعیت دیگری دارد. رئالیسم تهاجمی به‌خوبی توضیح می‌دهد که چرا ایالات متحده تحت رهبری بایدن، علیرغم تفاوت‌گفتمانی با دولت قبل، هسته اصلی رویکرد سخت‌گیرانه و رقابت‌جویانه خود را با چین حفظ و تقویت کرده‌است. تمرکز بر قدرت نظامی، ژئوپلیتیک حیاتی منطقه هند-پاسفیک یک، تلاش برای حفظ هژمونی از طریق محدودکردن رشد رقیب و استفاده از اتحادها و نهادهای همگی مؤید کارایی این نظریه برای تحلیل عمیق و جهت‌گیری رقابت استراتژیک آمریکا با چین در دوره بایدن است.

۳- جایگاه چین در سیاست خارجی بایدن

سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده در هر زمانی، ترکیبی از شاخص‌های ثابت نظام امنیت ملی آمریکا، برنامه‌ها و ترجیحات رئیس‌جمهور و کابینه وی می‌باشد. نگهداری و پاسداری از قلمرو، مردم و شیوه‌های زندگی ایالات متحده امریکایی، رهبری و تسلط در جهان بیرون، قوام بخشیدن به ائتلاف‌ها با دولت‌های دوست و مقابله با دشمنان ایالات متحده از جمله عوامل ثابتی است که تقریباً می‌توان در تمام اسناد راهبردی امنیت ملی آمریکا رؤیت نمود. در مقابل، ترجیحات رئیس‌جمهور و دولت ایالات متحده آمریکا مانند آنچه در مبارزات انتخاباتی بیان شده نیز بخش با اهمیتی از اسناد راهبردی ایالات متحده آمریکا را شکل می‌دهند. به نظر می‌رسد مهمترین کشور در راهبرد امنیت ملی آمریکا در دوره جو بایدن چین است که به‌سرعت در حال افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود و نزدیک شدن به آمریکا است. استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوره بایدن بیش از هر زمان دیگری به رفتار ژئوپلیتیکی چین به‌دلیل ارتقای قدرت نظامی، توسعه تسلیحات نظامی و فعالیت‌های هسته‌ای چین پرداخته‌است (زارعی، موسوی شهیدی، ۱۴۰۳: ۱۳۲). یکی از مهمترین و حساس‌ترین موضوعات مهم و مشترک در کارزار انتخاباتی ترامپ با بایدن چگونگی برخورد با چین بوده است. هر دو نامزد، چین را مسئول اصلی برخی از مسائلی مانند کسری تجاری که به اقتصاد آمریکا آسیب رسانده معرفی کرده‌اند. اتخاذ

رویکرد سخت مورد توافق هردو حزب بوده است. اما تعیین نوع و شیوه برخورد از تعامل محدود تا تنش مهمترین اختلاف بین آنها و حتی افکار عمومی را تشکیل داده است. از نظر هردو نامزد، چین نه تنها مسئول اصلی برخی از مسائلی است که به اقتصاد آمریکا آسیب رسانده، بلکه در آینده نزدیک هژمون آمریکا را با چالش جدی مواجه خواهد کرد (Aldalala, 2021, 8). ضرورت مهار چین به عنوان یک تهدید جدی برای هژمونی ایالات متحده یکی از محدود موضوعاتی بود که دو حزب بر آن توافق داشته و حتی به نظر می‌رسد که از رقابت دو حزبی برای تبدیل شدن به یک جهت استراتژیک اصلی ایالات متحده، به‌ویژه از زمان به قدرت رسیدن شی جین پینگ، فراتر رفته است (Biscop and Gromyko 2020,21). بایدن در آوریل ۲۰۲۲، مقاله‌ای در مجله "امور خارجی"^۱ منتشر کرد و در آن چین را چالشی جدی برای رهبری جهانی ایالات متحده توصیف نمود. وی با اشاره به تلاش‌های گسترده چین برای گسترش نفوذ جهانی خود و ترویج مدل سیاسی و اقتصادی خود، تاکید کرد که آمریکا باید در رقابت آینده خود با این کشور قاطعانه‌تر عمل کند (Biden, 2020,30). بایدن این موضع را در نخستین بیانیه سیاست خارجی خود، چین را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب ژئوپلیتیکی ایالات متحده معرفی کرد که با بهره‌گیری از قدرت سخت و نرم در حال تسخیر فضای ژئوپلیتیکی و کاهش فاصله راهبردی با واشنگتن است. او بر لزوم رقابت جدی و همه‌جانبه واشنگتن در حوزه‌های فناوری و حکمرانی جهانی تاکید کرد (Zhang & Xu, 2021, 345). بلیسکن روز قبل از مراسم تحلیف در کنگره گفته بود که چین مهمترین چالش برای آمریکا است. به گفته وی، چین تحت رهبری شی جین پینگ عزم جدی برای تبدیل شدن به رهبری جهانی و ارائه استانداردها و الگوی خود در جهان را دارد (Larres, 2022, 135). بر این اساس، دولت بایدن در فوریه ۲۰۲۱ تشکیل کارگروه چینی، پنتاگون^۲ را اعلام و وظیفه آن بر مطالعه و ارزیابی تمامی برنامه‌های دفاعی مرتبط با چین را ارائه و توصیه‌های نهایی برای مقابله با آنرا بیان کرده است (U S Department of Defense, 2021). بلیسکن در ۲۶ می ۲۰۲۲ در انجمن آسیایی دانشگاه جرج واشنگتن اظهار داشت: ظهور چین به‌عنوان رقیب بالقوه برای تسلط غرب به رهبری آمریکا نشان دهنده بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ در نظم بین‌المللی است. بیش از این، در مارس ۲۰۲۱، دولت بایدن ((سند موقت استراتژی امنیت ملی)) را منتشر کرد. در این سند نه تنها به -صراحت به رقابت استراتژیک با چین اشاره شده، بلکه چین را تنها قدرتی می‌داند که بارشد همه-

¹ foreign affairs

² Pentagon's China

جانبه قدرت خود، قادر به چالش کشیدن ثبات بین‌المللی است (Parry, 2021, 4). در این سند بر تقویت روز افزون قوای نظامی ایالات متحده برای آمادگی در برابر چالش‌های فزاینده چین و همکاری با متحدان برای حفظ نظم بین‌المللی در برابر آن چه تسلط چین خوانده شده، تأکید کرده است. (White House, March 2021). در این راستا بایدن از کنگره درخواست کرد تا بودجه نظامی سال ۲۰۲۲ را نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار افزایش دهد. دولت بایدن تلاش کرد تا این افزایش را به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش پنتاگون توجیه کند.

۴- رویکردهای مقابله با چین

در بین استراتژیست‌های آمریکا سه دیدگاه مهم و اساسی در برخورد با چین وجود دارد. دیدگاه اول: «قائلین به جنگ سرد نوین»، مت پوتینجر و مایک گالاگر^۱ معتقدند که رقابت آمریکا و چین یک بازی صفر و یک است. واشنگتن و پکن درگیر یک جنگ سرد هستند که نیازمند تاکتیک‌های تهاجمی ترازسوی آمریکا است (مسیر اقتصاد، پنجم شهریور، ۱۴۰۲). دیدگاه دوم: قائلین به «مدیران رقابت» اند. رقابت آمریکا و چین یک بازی صفر و یک نیست و در نتیجه، داشتن استراتژی برای همزیستی با چین ضروری است. ریشه‌های فکری این رویکرد را می‌توان در مقالات کرت کمپل^۲ (هماهنگ کننده ارشد دولت بایدن در امور اقیانوسیه در شورای امنیت ملی) و سالیوان^۳ ردیابی کرد. طبق استدلال آن‌ها، رقابت با چین «شرایطی است که باید مدیریت شود نه مشکلی که باید حل شود». دیدگاه سوم: را می‌توان «سازشکاران» که نگران جنگ هستند، نامید. اگرچه آن‌ها با دیگر گروه‌ها در مخالفت با نظام سیاسی چین و نفوذ جهانی آن مشترک هستند، اما نسبت به هم‌تایان خود بیشتر نگران این هستند که رقابت ممکن است به تقابل و رؤیایی تبدیل شود. جیسا چن وایس و استاینبرگ^۴، به‌عنوان چهره‌های برجسته در گروه محققان روابط بین‌الملل با جنگ سرد علیه چین مخالف هستند زیرا آن‌ها را ذاتاً خطرناک می‌دانند. از نظر آن‌ها، پوتینجر و گالاگر با وعده توخالی پیروزی، جذابیت کاذب ارائه می‌دهند، زیرا «تلاش‌های آمریکا برای ایجاد تغییر از طریق فشار، به همان اندازه که ممکن است حکومت اقتدارگرای چین را تضعیف کند، احتمال دارد که آنرا تحکیم بخشد». وایس و

¹ Matt Potting and Mike Gallagher

² Kurt Campbell

³ Jake Sullivan

⁴ Jessica Chen Weiss and James Steinberg

استاینبرگر استدلال می‌کنند که به نفع پکن و واشنگتن است که خطر جنگ را کاهش دهند و در مسائل مورد علاقه مشترک مانند تغییرات آب و هوایی همکاری کنند. با وجود این تنوع نظر، هر سه گروه توافق دارند که چین یک چالش جدی برای ایالات متحده است. آن‌ها همچنین توافق نظر دارند که سیاست ایالات متحده در قبال چین برای موفقیت نیاز به پایه‌های دوحزبی دارد. با وجود این، به نظر می‌رسد که هیچ دیدگاه غالبی در واشنگتن در مورد بهترین رویکرد یا جدی‌ترین جنبه چالش، اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی یا حکمرانی جهانی، وجود ندارد.

۵- استراتژی بایدن در قبال چین

۵-۱- احیای شبکه اتحادها و ائتلافها

از دیدگاه بایدن، ایجاد جبهه‌ای متحد با متحدان سنتی و شرکا مؤثرترین رویکرد برای تقابل با چین است. در واقع، عدم تمایل ترامپ به چندجانبه‌گرایی و اولویت دادن به رویکرد یک‌جانبه، به چین فرصتی طلایی برای گسترش نفوذ خود در سراسر جهان، به‌ویژه در غرب آسیا، داد (Biden, 2020:64). رویکرد رقابت استراتژیک در قبال چین مورد توافق هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات بوده است، اما آنچه بایدن را در این چارچوب متمایز می‌کند، تمایل او به چندجانبه‌گرایی و تقویت اتحاد با متحدان است (West, 2021:1). به عقیده بایدن، چندجانبه‌گرایی و اتحادسازی راهکاری مؤثر برای مهار چین محسوب می‌شود. یک اتحاد قدرتمند، گسترده و سازمان‌یافته با سازوکارهای اجرایی بین ایالات متحده و شرکای آن، بدون شک چین را وادار خواهد کرد تا انتخاب‌ها و سیاست‌های خود را در تمامی حوزه‌ها تعدیل کند. علاوه بر این، چنین اتحادهایی به تقویت نفوذ و رهبری جهانی آمریکا کمک می‌کنند و درک فزاینده چین از تضعیف قدرت ایالات متحده را خنثی می‌سازند. این مسئله به‌ویژه پس از مدیریت ناموفق بحران کرونا و خروج پرچالش از افغانستان تشدید شد (Qingguo, 2021:6). علاوه بر این، بایدن متوجه شد که ایالات متحده به تنهایی قادر به رویارویی مستقیم با چین نیست و به همکاری و اتحاد با شرکا نیاز دارد همچنین، تجمیع اتحادها احتمال درگیری نظامی ویرانگر با چین را کاهش می‌دهد که این امر با رویکرد رقابت استراتژیک همسو است. وی بلافاصله پس از ورود به کاخ سفید، تلاش خود را برای تجمیع و تقویت متحدان در مقابل چین آغاز کرد. در دیدار با باجاستین ترو دو^۱، نخست‌وزیر کانادا، برای تشکیل جبهه‌ای دوجانبه علیه

^۱. Justin Trudeau

چین به توافق رسید. در تماس با نخست‌وزیر ژاپن، تعهدات خود را برای دفاع از حق حاکمیت دریایی این کشور در برابر چالش‌های چین کرد و حمایت همه‌جانبه از این متحد سنتی را اعلام نمود. همچنین، تلاش کرد تا همکاری با کره جنوبی را به یک مشارکت استراتژیک جامع برای مقابله مؤثر با چین ارتقا دهد. در سال ۲۰۲۱، در بیانیه مشترک با مون جانگ‌این، رئیس‌جمهور کره جنوبی، اقدامات چین در دریای چین جنوبی و تایوان را محکوم کرد (Name & Song, 2022:84) دستیابی به اجماع نظر اولیه با اروپایی‌ها علیه چین اولویت اصلی بایدن در اولین سفر به اروپا بود. در طول این دیدار به دنبال ایجاد یک جبهه متحد از دموکراسی‌ها "اتحاد دموکراسی‌ها" بود که بتواند در برابر نقض حقوق بشر چین مقاومت کند. بایدن در کنفرانس امنیتی مجازی مونیخ در سال ۲۰۲۱، به صراحت اعلام کرد که تقویت همکاری مشترک ما با شرکای دموکراتیک در اروپا، هند و اقیانوسیه، ستون اصلی رقابت استراتژیک بلندمدت و سخت با چین است (The White House. 2021, November 16). سرانجام در اجلاس G7 در ژوئن ۲۰۲۱ ابتکار «جهان بهتر را بسازید» را پیشنهاد کرد. این ابتکار یکی از مهمترین گام‌های استراتژیک بایدن برای ایجاد یک اتحاد اقتصادی علیه چین در چارچوب رویکرد رقابت استراتژیک بود. به‌ویژه، از زمانی که رشد فزاینده اقتصاد چین شروع به ترساندن اروپایی‌ها کرده است (Zhao, 2021:228). از سوی دیگر، پس از سهل‌انگاری ترامپ برای تضعیف روابط محکم چین با آسه آن، دولت بایدن تلاش کرد، تا مشارکت با آسه آن^۱ را تقویت کند. همچنین، برای اطمینان به کشورهای عضو آسه آن تلاش کرد به تمام تعهدات خود جامع عمل ببوشاند. اتحاد چهارجانبه تمرکز ایالات متحده نسبت به آسه آن را کاهش نمی‌دهد، بلکه این دو سازمان یکدیگر را تکمیل می‌کنند (Russel & Cutler, 2022). بایدن در سخنرانی خود در اجلاس آسه آن تأکید کرد: «توافق‌های بزرگ تاریخی جهان در پنجاه سال آینده توسط کشورهای عضو اتحادیه جنوب شرق آسیا رقم خواهد خورد.» او شراکت آمریکا و آسه آن را حساس و راهبردی خواند و افزود: «ما در آستانه ورود به عصر جدیدی از روابط میان آمریکا و آسه آن هستیم.» در ۱۲ مه ۲۰۲۲، بایدن میزبان نشست دو روزه‌ای با ۱۰ کشور عضو آسه آن بود و وعده کمک ۱۵۰ میلیون دلاری برای توسعه زیرساخت‌ها، امنیت منطقه‌ای، مقابله با همه‌گیری و توسعه انرژی‌های پاک ارائه داد.

۲-۵- رویکرد راهبردی به ایندو- پاسیفیک

رویکرد راهبردی به منطقه شرق آسیا، به‌عنوان یکی از مناطق پراهمیت در جهان، برای همه قدرت‌ها به‌ویژه برای ایالات متحده از چند جهت از اهمیت حیاتی برخوردار است. نقش این

^۱. ASEAN

منطقه در اقتصاد جهانی، وجود متحدان امریکا در این منطقه و ظهور چین طی سالیان اخیر، همگی نشان دهنده اهمیت تعیین کننده این منطقه در سیاست جهانی در قرن بیست و یکم است. اهمیت این منطقه به لحاظ تاریخی و تبدیل شدن آن به نقطه کانونی استراتژی و دیپلماسی ایالات متحده در خارج از کشور از دهه قبل آغاز شده است. ریگان در سال ۱۹۸۴ در اهمیت این منطقه چنین گفته است: من به حوضچه اقیانوس آرام به عنوان منطقه آینده جهان می‌نگرم. حوضچه بزرگ اقیانوس آرام با کلیه کشورها و رشد و توسعه بالقوه این منطقه آینده جهان به شمار می‌رود. ترامپ نسبت به روسای قبلی خود پا را فراتر نهاده سیاست مهار همه جانبه چین را در دستور کار قرار داده و تلاش کرد تا با تشکیل محور این دو- پاسیفیک با قدرت‌یابی چین مقابله کند. مهمترین ابزار این راهبرد، همکاری‌های نظامی با هند و ژاپن در اقیانوس هند و همکاری‌های سیاسی برای حفظ هنجارهای بین‌المللی برای آزادی کشتیرانی و نیز فشار سیاسی بر پکن است. رزمایش مشترک امریکا و هند همراه با ژاپن در خلیج بنگال در جولای ۲۰۲۱ از سوی تحلیل‌گران نظامی تلاشی برای نمایش قدرت در برابر چین و پاکستان تفسیر شده است. اگرچه سیاست تقابل با چین در سال‌های گذشته وجود داشته و در دوران اواما در چارچوب موافقت‌نامه‌هایی مثل ترانس-پاسیفیک پیگیری می‌شد، اما ترامپ سیاست سرسختانه تری برای مهار چین اتخاذ کرده است. او در جریان رقابت‌های انتخاباتی، ضمن اشاره به سرقت فرصت‌های شغلی امریکایی‌ها، از رویکردهای تجاری چین به شدت انتقاد کرده و پکن را مسئول بسیاری از چالش‌های امنیتی شرق آسیا معرفی کرد. تحت تأثیر چنین نگرشی، ترامپ تنها به فاصله سه روز از آغاز رسمی ریاست جمهوری، طی فرمانی، دستور به خروج امریکا از معاهده ترانس-پاسیفیک را داد که معتقد بود این پیمان، یک توافقنامه تجاری فاجعه‌بار برای امریکاست. او بر آن است که، به جای توافقنامه‌های چندجانبه تجاری، توافقنامه‌های دوجانبه با شرکای تجاری امریکا در آن سوی اقیانوس آرام و اطلس امضا کند و به زعم وی، حفظ مشاغل و کسب کارهای خصوصی را در داخل امریکا تضمین کند (شایک، ۲۰۱۸: ۶). اما بایدن در یک فضای ناامنی بیشتر نسبت به اواما و ترامپ ضمن حفظ سیاست‌گذاری آنها درصیانت از این مناطق هدف گذاری جدید تری در کنترل چین از طریق اتحاد سازی‌های جدید و یا تقویت پیمان‌های گذشته با رویکردهای جدید را مد نظر قرار داد. بایدن بر عکس ترامپ با دوری از یک جانبه گرایی تنها راه مهار چین را همکاری با شرکا در عرصه نظر و عمل می‌دانست. قدرت همه جانبه با تشکیل بیشترین تعداد ممکن از اتحادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی در آسیا،

هند و اقیانوسیه توانایی رویارویی بیشتری نسبت به یک‌جانبه‌گرایی دارد. براساس رئالیسم تهاجمی، سلطه جهانی زمانی تهدید می‌شود که یک قدرت به‌دنبال سلطه منطقه‌ای باشد (Dong, 2021, 10). بایدن معتقد بود بازنگری، تقویت روابط و عمل به تعهدات نسبت به هند و اقیانوس آرام بهترین استراتژی مقابله در برابر چین است. زیرا چین به‌دنبال تبدیل شدن به تأثیرگذارترین قدرت در این منطقه است. بلینکن در سخنرانی خود اشاره کرد که دومین بخش از استراتژی آمریکا همسویی با متحدان و شرکایمان برای پیشبرد چشم‌انداز مشترک برای آینده است. ما تلاش‌هایمان را با شبکه متحدان و شرکای خود هماهنگ خواهیم کرد و با هدف مشترک عمل می‌کنیم. دولت بایدن از ابتدا تلاش کرده تا شبکه بی‌بدیل اتحادها و مشارکت‌های آمریکا را دوباره تقویت و در نهادهای بین‌المللی مشارکت کند. ما شرکا را تشویق می‌کنیم تا با یکدیگر و از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی کار کنند و ما ائتلاف‌های جدیدی را به پا می‌کنیم (مسیر اقتصاد، پنجم شهریور، ۱۴۰۲).

۳-۵- احیای اتحاد چهارجانبه

در سال ۲۰۰۷ بین چهار کشور آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا گفتگوی امنیتی چهارجانبه‌ای با هدف تقویت جبهه منطقه‌ای در تضعیف خیزش چین برگزار شد. در آن نشست به‌غیر از مسائل امنیتی اهدافی چون تضمین کشتیرانی آزاد و برقراری نظم چند جانبه گفت و گوهایی به عمل آمد. اتحادیه چهارجانبه^۱ اولین رزمایش دریایی مشترک خود را در سال ۲۰۰۷ "مالابار" برگزار کرد که به‌شدت توسط چین محکوم شد (Zongyou & Yunhan, 2021). بایدن نه تنها اتحاد چهارگانه را احیا بلکه آن را به یک اتحادیه قدرتمند با چارچوب‌های تعریف شده و حضور رهبران در سطح عالی‌رتبه ارتقا داد. رهبران اتحاد چهارگانه همچنین با برگزاری نشست سالانه و تأسیس گروه‌های کاری جدید با کارشناسان مختلف موافقت کردند. به این ترتیب، بایدن کواد را به یک ائتلاف بازدارنده قدرتمند و منسجم برای مقابله با قدرت روبه‌رشد چین در آسیا تبدیل نمود. هماهنگی محکم بین ایالات متحده، هند، ژاپن و استرالیا به‌طور اجتناب‌ناپذیر مانع دستیابی حداکثری چین در منطقه خواهد شد. اگرچه مواضع قاطعانه چین در قبال تایوان، در اولین اجلاس رهبران اتحاد چهارجانبه به رهبری بایدن در مارس ۲۰۲۱، نام چین به‌طور خاص ذکر نشد، اما این اجلاس در مورد تایوان اظهارات قاطعی داشت. رهبران این

^۱. QUAD

اجلاسیه متعهد شده‌اند که از "آزادی دریانوردی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات" حمایت کنند. همچنین متعهد شدند که با چالش قوانین دریایی در دریای چین شرقی و جنوبی روبه‌رو شوند. این هماهنگی قدرت روبه‌رشد اقتصادی و فنی چین را تضعیف خواهد کرد. (Zongyou, 2021, 13-14) & Yunhan, 2021, 13-14) پس از احیای اتحاد چهارگانه، بایدن در سپتامبر ۲۰۲۱ تأسیس ائتلاف امنیتی سه جانبه جدید اکاس^۱ با بریتانیا و استرالیا را اعلام کرد. این اتحاد یک پیشرفت جدی در هند و اقیانوس آرام و از نظر مقابله با چین است، زیرا برای تقویت بازدارندگی هسته‌ای در برابر حضور نظامی روبه‌رشد چین در هند-اقیانوس آرام می‌کند. طی این ائتلاف ایالات متحده و بریتانیا متعهد شده‌اند که زیردریایی‌های هسته‌ای را در اختیار استرالیا قرار دهند تا بتوانند از گسترش دریایی چین جلوگیری کنند. تهدید چین به تقویت پیمان سه جانبه کمک کرد (Russel and Cutler 2022).

۴-۵- تداوم جنگ تجاری و فناوری

جنگ تجاری یکی از مهمترین ابزارهای ترامپ برای تضعیف اقتصاد چین بوده است (پاک باطن، طالبی، ۲۰۲۳: ۴۶). با توجه به اینکه ظهور قدرت چین به شدت به رشد اقتصادی آن متکی است، در مقابل آمریکا در کنار رشد اقتصادی خود به شدت به دنبال کاهش بدهی‌های خود به چین (بیش از یک تریلیون دلار تخمین زده می‌شود، است علی‌رغم انتقادات شدید کارشناسان اقتصادی که جنگ تجاری آمریکا با چین را نتیجه‌ای جز حاصل جمع صفر می‌دانستند. ولی بایدن برنامه‌ها و سیاست تجاری ترامپ، از جمله تعرفه‌های گمرکی بر محصولات چینی را حفظ کرده و از آن به عنوان ابزاری مؤثر و مشروع برای محافظت از اقتصاد ایالات متحده تحسین کرده است. به نظر می‌رسد نوع نگاه آمریکا به چین در دوره ترامپ با دوره بایدن چندان تفاوتی به لحاظ راهبردی نداشته و فقط در شیوه چگونگی مدیریت توسعه جهانی جایگاه چین تفاوت داشته باشد. لذا این جنگ نه تنها در دوره بایدن تنزل پیدا نکرده، بلکه تشدید یافته است. هر چند بایدن در ابتدا وضع تعرفه‌های دولت ترامپ بر روی کالاهای چین را به ضرر اقتصاد داخلی آمریکا توصیف می‌کرد، اما در ادامه از موضع دولت قبل عقب نشینی نکرده و کماکان بر این موضع اصرار داشت.

^۱. پیمان AUKUS اتحادیه امنیتی بین آمریکا، انگلستان و استرالیا. سه کشور امضاء کننده معاهده تصمیم گرفتند که سلاح‌های غیر متعارف را در جهت اهداف نظامی در اختیار استرالیا قرار بدهند.

۵-۵- دموکراسی و حقوق بشر

یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی بایدن در قبال پکن مساله حقوق بشر بوده است. بایدن در سطح مواضع اعلامی خویش، نسبت به مضامین حقوق بشر حساسیت خاصی را ابراز داشته و بر این مبنا، تلاش کرد دامنه عمق روابط با دیگر بازیگران به‌ویژه در حوزه روابط اقتصادی و تجاری را در همین چهارچوب به پیش ببرد. حمایت از حقوق بشر و دموکراسی اهرم مداوم ایالات متحده علیه چین بود. دستگاه دیپلماسی بایدن به دو دلیل دفاع از حقوق بشر را در اولویت بالایی قرارداد بود، اولاً حمایت از حقوق بشر را در راستای دفاع از ارزش‌های لیبرالیسم و جلب افکار عمومی توجیح می‌کرد، ثانیاً از آن به‌عنوان ابزار تأثیرگذار در جهت تخریب اعتبار منطقه‌ای و جهانی چین به کار گرفت. در این راستا بارها نقض آشکار دولت چین در نادیده انگاری حقوق اقلیت‌های مسلمان را محکوم کرد. حتی بلینکن آن را نوعی نسل‌کشی توصیف کرد و از صادرات کالاهای آمریکایی که در نسل‌کشی مورد استفاده قرار گرفت را ممنوع کرد. در سال ۲۰۲۱ قانون جلوگیری از کار اجباری اویغورها را تصویب کرده که واردات کالاهاییکه در سین کیانگ تولید شده را ممنوع کرده است. (Wani & Parpiani, 2021,9) بایدن در اولین تماس خود با رئیس‌جمهور چین، بر توقف سرکوب معترضان دموکراتیک در هنگ‌کنگ تأکید کرد. وجود قوانین امنیتی چین در هنگ‌کنگ را محکوم و آن را به نقض تعهدات بین‌المللی چین در چارچوب یک کشور دو نظام متهم کرده است. وزارت خارجه آمریکا گزارش‌های متعددی درباره نقض حقوق بشر، سانسور اینترنت و سرکوب فعالان مدنی در چین را منتشر کرده است و برخی از سازمان‌ها و شرکت‌های چینی را به دلیل نقش داشتن در نظارت گسترده، سرکوب مخالفان و نقض حریم خصوصی شهروندان تحریم کرده است. اتحادیه اروپا در همسویی با آمریکا در ۹ ژوئن، قطعنامه‌ای درباره «وضعیت حقوق بشر در سین کیانگ» تصویب کرد که از وضعیت حقوق بشر در منطقه سین کیانگ چین انتقاد کرد و مدعی شد که اقدامات چین نسبت به حقوق اقلیت‌ها نقض آشکار حقوق بشر است و خطر جدی «نسل‌کشی» را نشان می‌دهد. پارلمان اروپا، در این قطعنامه خواستار ممنوعیت واردات کالاهای ساخته شده با کار اجباری شد. یکی از اقدامات منحصربه‌فرد بایدن در این زمینه این بود که خواستار ایجاد یک اتحاد دموکراتیک برای مقابله با مطلق‌گرایی چین بود. بر این اساس ارزش‌های لیبرال دموکراسی، اتحادها را قویتر و منسجم‌تر می‌کند و اتحادهای دموکراتیک توانایی نفوذ چین را برهم خواهد زد. (Nam & song 2022,18). برای بایدن، استفاده از موضوع دموکراسی از دو

جهت حائز اهمیت بود اولاً دموکراسی یک سلاح بسیار مؤثر برای خدشه‌دار کردن وجهه چین در سطح جهانی است، زیرا چین با آزادی‌های عمومی برخوردار و خصمانه دارد و ثانیاً برای ایجاد شکاف بین چین و متحدانش ابزار بسیار اثرگذار و سوژه رسانه‌ای بسیار مناسب در جهت تخریب ژست بین‌المللی چین می‌باشد. بر این اساس، مسئله دموکراسی و حقوق بشر در دوران بایدن، به یک موضوع مهم در رقابت ایدئولوژیک تبدیل شده‌است.

۶-۵- تایوان و دریای جنوبی چین

تداوم هژمونی ایالات متحده ناگزیر مستلزم تداوم نفوذ قدرتمند دریایی امریکا در دریای چین جنوبی و عدم الحاق تایوان به چین است. هیچ هژمونی جهانی برای چین بدون تسلط کامل بر تایوان و دریای جنوبی قابل تصور نیست. مقامات تایوانی و بسیاری از ناظران انتظار داشتند که بایدن سیاست سنتی ایالات متحده در قبال چین را ادامه دهد. با توجه به اینکه او معاون اوباما بود و در طول مبارزات انتخاباتی خود دیدگاه خاصی نسبت به تایوان اعلام نکرده بود، اما از اولین روز ریاست جمهوری خود معلوم شد که بایدن موضعی سخت‌تر از ترامپ در قبال تایوان اتخاذ کرده‌است تا از تلاش چین برای اتحاد جلوگیری کند (النزی، ۲۰۲۲: ۷۰). علیرغم تعهد بایدن به سیاست "چین واحد" او برای اولین بار از سال ۱۹۷۹، از سفیر تایوان در ایالات متحده دعوت کرد تا در مراسم تحلیف ریاست جمهوری شرکت کند. بایدن در اولین دیدار خود با شی جین پینگ تأکید کرد که "ایالات متحده به شدت با تلاش‌های یک جانبه برای تغییر وضعیت موجود یا تضعیف صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان مخالف است. همچنین بایدن روابط غیر رسمی با تایوان را تقویت کرده‌است. در ژوئن ۲۰۲۱، هیئتی از کنگره برای اولین بار از سال ۱۹۵۵ از تایوان بازدید کرد، که این موضوع واکنش شدید چین را به دنبال داشت. اقدامات سخت گیرانه بایدن باعث شد چین تصور کند که تعهد او به سیاست "چین واحد" و حفظ وضعیت موجود صادقانه نیست. زیرا این اقدامات نوعی تشویق تایوان برای ادعای استقلال تلقی می‌شود. بنابراین، چین با اعتراض به وضعیت موجود، مسئله تایوان را خط قرمز خود می‌داند و اعلام کرده به هیچ وجه حاضر به انعطاف در این زمینه نیست (سازمند و پیر اسلامی، ۱۳۹۶: ۱۸۶) در همین راستا چین با نفوذ جنگنده‌های نظامی به منطقه، شناسایی دفاع هوایی تایوان و انجام تمرین‌های نظامی در جنوب این کشور، سیاست پیشگیرانه بایدن را به چالش کشید. در مقابل، دولت بایدن بلافاصله تعهد تزلزل‌ناپذیر ایالات متحده به دفاع از تایوان را اعلام کرد و یک ناو هواپیمابر را به تنگه تایوان فرستاد. علاوه بر این، فروش زیردریایی‌های

پیشرفته به تایوان را تأیید کرد. در رابطه با بحران تایوان مسائل متعددی در هر دو طرف وجود دارد؛ برای چین، ناسیونالیسم، برای ایالات متحده، تعهد به دموکراسی اهمیت دارد. (Goldstein, 2001). اما مهم‌ترین مسئله‌ای که تایوان را غیرقابل مذاکره می‌کند، منافع امنیتی هر دو طرف است. چین می‌داند که استراتژی دیرینه‌اش با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی برای پیروزی شکست خورده است، چرا که افکار عمومی تایوان به شدت علیه هویت چینی و اتحاد با سرزمین اصلی حرکت کرده است. در این شرایط، موضع آمریکا در بحران به طور فزاینده‌ای به حمایت از جدایی تایوان از کنترل سرزمین اصلی دلالت دارد و لذا برای چین نیز گزینه نظامی پررنگ شده است. استراتژی چین در این بحران، غلبه بر موازنه نظامی آمریکا در تنگه تایوان است تا بتواند تایوان را بدون نیاز به حمله واقعی به تسلیم وادار کند.

۷-۵- ساخت جهانی بهتر

با به قدرت رسیدن بایدن در سال ۲۰۲۰ سیاست خارجی واشنگتن ابعاد چند جانبه تری به خود گرفت و آمریکا تلاش کرد تا میراث یک‌جانبه‌گرایی دونالد ترامپ را در نظر جهانیان به‌ویژه متحدین و شرکای اصلی خود کمرنگ‌تر کند. یکی از مهمترین این حوزه‌ها اتخاذ سیاست‌های مشترک آمریکا با شرکای اصلی خود در قبال پکن بوده است. در همین راستا و در ادامه سیاست‌های بازدارنده آمریکا در قبال چین، بایدن در نشست سران گروه ۷ در سال ۲۰۲۱ طرح «ساخت جهانی بهتر» را با همراهی متحدین اصلی خود (بریتانیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ژاپن) و شرکای منطقه‌ای مهمی چون استرالیا، کره جنوبی، هند و آفریقای جنوبی اعلام کرد. این ابتکار در واقع به‌طور رسمی برای رقابت با ابتکار چینی کمر بند-راه به رهبری آمریکا راه اندازی شده است. هدف واشنگتن از این طرح رقابت استراتژیک با چین «با همراهی متحدین ((همفکر)) و همه ((کشورهای حامی دموکراسی)) در جهان است تا اصول و ارزش‌های مورد نظر خود را در رقابت با چین در عرصه بین‌المللی ترویج کند. آمریکا در قالب این طرح علاوه بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای هدف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، به‌دنبال بهبود در عملکرد ساختارهای حکمرانی، تقویت حوزه فناوری و دیجیتال، بهداشت و سلامت، پیگیری مباحث آب و هوایی و زیست محیطی و همچنین برابری جنسیتی است (دهشیار، پور باقر، ۱۴۰۱: ۳۰). آمریکا در قالب این طرح تأکید خاصی به کیفیت سرمایه‌گذاری زیرساختی^۱ دارد و به‌دنبال آن است تا در رقابت با طرح چینی با افزایش کیفیت فرایندهای عملیاتی زیرساختی به

^۱. Quality Infrastructure Investment (QII)

چارچوب‌های توسعه پایدار متعهد باشد. این بدان معنی است که اکثر کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف‌های ساختارهای حکمرانی و مالیاتی شان توانایی بهبود زیر ساخت‌های فنی را نداشته و عملاً زیرساخت‌های موجود آنها نیز از کیفیت بالایی برخوردار نیستند. ابتکار ساخت جهانی بهتر با تأکید به این مهم، اهمیت سرمایه‌های خصوصی برای بهبود کیفیت راه اندازی زیرساخت در کشورها و مناطق هدف را در شالوده اصلی خود همراه دارد (OECD, 2021).

۸-۵- اهداف کلان آمریکا در ساخت جهانی بهتر

آمریکا به رهبری جهان غرب در قالب این طرح همانند نسخه چینی آن هدف اصلی این طرح را بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته معرفی کرده است. این طرح بنا دارد با مشارکت بانکهای توسعه چند جانبه و سایر نهادهای توسعه مالی فاصله ۴۰ تریلیون دلاری کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه در زمینه زیرساختها را تا حدودی جبران کند (دهشبار، پورباقر، ۱۴۰۲: ۳۱). در این طرح مناطقی چون آفریقا، آمریکای لاتین و کارائیب و حوزه ایندو-پاسیفیک در اولویت طرح‌های زیرساختی این ابتکار هستند. با توجه به اطلاعات منتشر شده، کشورهایی که در مناطق اروپا، خاورمیانه و آسیا شریک چین در ابتکار کمربند-راه هستند، کمتر در این طرح غربی مشارکت خواهند داشت. امری که نشان دهنده حساسیت راهبردی آمریکا در زمینه رقابت اقتصادی و امنیتی بین دو کشور است (MILLER, 2021: 3-5). اگرچه ایجاد جهانی بهتر دوره ترامپ طراحی شد ولی بایدن با قبول نقاط ضعف در فرایند این مهار، به برتری چین در منطقه آسیا با توجه به مؤلفه‌های جمعیت، وسعت، نفوذ ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک چین و برتری پکن در شرق آسیا به آن جنبه عملیاتی بخشیده، با پشتیبانی به عمل آمده از هم پیمانان خود کارنامه موفق تری نسبت به ترامپ داشته است.

۹-۵- اتخاذ رویکرد تعاملی در مهار چین

سیاست خارجی بایدن علیه پکن بر سه محور کلیدی و اساسی استوار بوده است. اول: همکاری؛ بایدن به دنبال همکاری در حوزه‌های خاص با پکن بود چرا که بر این باور بود، بدون همکاری با این کشور حفظ هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل و جلوگیری از ظهور پکن به عنوان قدرت هژمونی نوظهور امکان پذیر نمی‌باشد. دوم: رقابت؛ تیم بایدن معتقد بود که آمریکا باید

در حوزه‌هایی همچون فناوری نظامی و فناوری‌های پیشرفته با چین به رقابت بپردازد و اجازه ندهد این کشور از آمریکا پیشی بگیرد. سوم: تنش و برخورد با دولت چین در مسائل راهبردی چون تایوان، هنگ‌کنگ در دریای جنوبی بود (سجادپور، ۲۰۲۰: ۱۴۰). با این وجود مهم‌ترین اهرم کنترلی آمریکا در مهار چین در دوره بایدن تعامل و همکاری و بوده است. در اولین اجلاس رسمی آمریکا و چین در آلاسکا در مارس ۲۰۲۱، بلینکن به مقامات چینی اعلام کرد "روابط ایالات متحده با چین درجایی که باید، رقابتی خواهد بود و درجایی که باید مشارکتی باشد، می‌تواند با تعارض منافع به‌دشمنی تبدیل شود. هدف ما این است که در مورد نگرانی‌ها و اولویت‌های خود بی‌واسطه گفتگو کنیم. سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، با موضعی سخت‌گیرانه‌تر افزود: اگرچه به دنبال درگیری نیستیم، اما از رقابت سخت استقبال می‌کنیم و همیشه از اصول خود برای مردم دفاع خواهیم کرد. حساسیت دو حزب اصلی آمریکا نسبت به موضوع چین به‌حدی است که هر دو حزب بر سر مهار این کشور به استراتژی مشترکی رسیده‌اند. این نگرانی‌ها از زمان روی کار آمدن شی جین‌پینگ و برنامه‌های نوسازی و سازماندهی نیروهای دفاعی چین، ایفای نقش فعال‌تر در محیط بین‌المللی و عملکرد مستقل آن به عنوان قدرتی بین‌المللی، شدت یافته است (النزی، ۲۰۲۴). افکار عمومی آمریکا نیز پس از همه‌گیری کرونا، به‌ویژه به دلیل مرگ و میرگسترده، نه تنها به‌رقیب جدید یعنی چین بدبین‌تر شده، بلکه تحمل ظهور چین به عنوان رقیبی هژمونیک از منظر هنجارهای برتری‌طلبانه آمریکا را نیز ندارد. به‌عبارت دیگر از نظر ارزشی آمریکایی‌ها خود را قوم برتر دانسته و به‌لحاظ هنجاری تولید ثروت را منحصر به تولید ارزشهای لیبرال دموکراسی غربی دانسته و این‌که کشوری به این ارزش‌ها معتقد نباشد و آنرا بازتولید نکند و بتواند به این سطح از پیشرفت تکنولوژیک دست یابد، برای افکار عمومی آمریکا قابل پذیرش نمی‌باشد (سجادپور، ۱۴۰۱). به‌طور کلی، بایدن در قبال چین رویکردی متفاوت از ترامپ در پیش گرفته و رقابت استراتژیک را در چارچوبی کنترل‌شده و با اجتناب از درگیری آشکار ترجیح داده است. وی سیاست مهار آرام را از طریق ابزارهای اقتصادی و دیپلماتیک دنبال کرده و علیرغم فشارهای داخلی، همکاری محدود را به رویارویی مستقیم ترجیح داده است. این رویکرد با واقع‌گرایی تهاجمی همسو است؛ چرا که ابرقدرت‌ها در شرایطی که توازن قوا به‌طور کامل به نفع آنان نیست، از درگیری مستقیم پرهیز می‌کنند. ایالات متحده اگرچه در پی تضعیف نفوذ چین برای حفظ هژمونی خود است، اما در عین حال آگاه است که موازنه قدرت به‌طور مطلق در اختیارش نیست. از این رو،

سیاست مهارت‌دریجی و غیرمستقیم را برگزیده تا از بروز رویارویی نظامی، که عواقب آن برای هر دو کشور و جهان فاجعه‌بار خواهد بود، اجتناب کند. نمونه این امر را می‌توان در تعهد دو کشور به همکاری در مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی مشاهده کرد؛ همان‌طور که در جریان اجلاس آب و هوای گلاسکو در سال ۲۰۲۱ بر همکاری مشترک در این زمینه تأکید شد. این همکاری‌ها نشان می‌دهد که دو کشور می‌کوشند از تبدیل رقابت به تقابلی تمام‌عیار جلوگیری کنند. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای تأکید کرد: «ما نمی‌توانیم اجازه دهیم اختلافات، مانع همکاری در زمینه‌هایی شود که منافع مشترک مردم جهان را تأمین می‌کنند.» وی به طور مشخص به همکاری در حوزه‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، همه‌گیری کووید-۱۹، کنترل تسلیحات، امنیت غذایی و ثبات اقتصاد جهانی اشاره کرده است. به نظر می‌رسد این همکاری‌ها نه تنها در راستای منافع جهانی، بلکه به عنوان ابزاری برای مدیریت رقابت و اعمال فشار کنترل‌شده بر چین نیز عمل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

کشورها اقدامات خود در عرصه سیاست خارجی را از دریچه منافع ملی می‌سنجند، اما انتخاب‌های آن‌ها به شدت متأثر از برداشت رهبران و شیوه‌ای است که برای تعریف و پیگیری این منافع در شرایط گوناگون برمی‌گزینند. تحلیل روند سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد که دولت بایدن، اگرچه در روش‌ها نوآوری‌هایی داشته، ولی تغییر بنیادینی در جوهر و ماهیت راهبردهای پیشین ایجاد نکرده است. منطق رفتاری دولت بایدن، با شعار بازگشت به «سیاست خارجی تأمل‌گرا»، تأکید مضاعف بر ارزش‌ها و منافع آمریکا، ترویج ایده حکمرانی جهانی، و گرایش به بین‌الملل‌گرایی و مقابله جمعی در برابر تهدیدات، در مقایسه با دوره قبل تعاملی‌تر ظاهر شده است. این دولت از طریق ایجاد ائتلاف‌های موقت و انعطاف‌پذیر در عین حفظ برتری خود، تلاش کرده تا شکاف‌ها با چین را کاهش و تنش‌ها را مدیریت کند. یافته‌ها حاکی از آن است که اولاً پیچیدگی روابط چین و آمریکا در دوره بایدن از حد رابطه دوجانبه فراتر رفته و اکنون کیفیت تعاملات این دو کشور مستقیماً بر ثبات منطقه آسیا و اقیانوسیه و حتی نظم بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. بایدن با اتخاذ راهبرد مهار چین از طریق پیشبرد و شکل‌دهی به ابتکارات چندجانبه و بازتعریف ائتلاف‌های دوجانبه، درصدد ایجاد شبکه‌ای امنیتی-اقتصادی برای مهار قدرت فزاینده چین در حوزه هند-آرام بوده که به‌عنوان اصلی‌ترین عرصه تقابل دو کشور در سطح جهانی شناخته می‌شود. در چارچوب این راهبرد، او تلاش کرده تا با تقویت

همکاری با متحدان، از ظرفیت‌های آنان برای مواجهه با چالش‌های مشترک منطقه‌ای و جهانی بهره‌برداری. ثانیاً سیاست بایدن در قبال چین تا حد زیادی تداوم سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت پیشین به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند حقوق بشر، دموکراسی و جنگ تجاری بوده است. با این حال، رویکرد او در برخورد با پکن نه مبتنی بر تهاجم، بلکه بر مدیریت رقابت و پرهیز از درگیری مستقیم متمرکز بوده که از اولویت‌های کلیدی دولت وی محسوب می‌شود. بایدن کوشیده است با تغییر تاکتیک، به کارگیری روش‌های دیپلماتیک و جلب همکاری دیگر بازیگران مهم اقتصادی جهان، پشتوانه‌ای قوی‌تر برای تداوم رقابت تجاری با چین ایجاد کند.

منابع و مأخذ

فارسی:

- پاک باطن، مصطفی، طالبی، عباسعلی (۱۴۰۳)، آمریکا و سیاست مهار چین در غرب آسیا، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، دوره هشتم، شماره (۲)، ۴۳-۶۲.
- دهشیار، حسین، پور باقر، مهدی (۱۴۰۲)، رقابت راهبردی آمریکا و چین در طرح زیر ساختی ساخت جهانی بهتر و کمربند راه، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره ۱۳ (۴۸)، ۷-۵۰.
- سازمند، بهاره و ارغوان پیر اسلامی، فریبرز (۱۳۹۶)، *سیاست خارجی جهانی و منطقه‌ای چین در قرن بیست‌ویکم*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سجاد پور، سید محمد کاظم و خلیلی، الهام (۱۴۰۰)، نقش همکاری اقتصادی در روابط استراتژیک چین و روسیه، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۴ (۱۰۱)، ۱-۲۸.
- زارغان، احمد، دعاگوی، روزبهانی، رضا (۱۴۰۲)، سیاست دولت بایدن در قبال چین با تمرکز بر مساله تایوان، *فصلنامه نشریه علمی مطالعات راهبردی آمریکا*، سال سوم، ۳۶-۱۱.
- زارعی، بهادر، موسوی شهیدی، سید مهدی (۱۴۰۳)، واری راهبردهای ژئوپلیتیک امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در ارتباط با چین در دوره جو بایدن، *فصلنامه علمی جغرافیا*، دوره ۲۲، شماره ۸۱، ۱۵۱-۱۳۰.
- طالبی، عباسعلی (۱۴۰۳)، ارزیابی سیاست‌های خاورمیانه‌ای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه با تمرکز بر دولت بایدن، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی و هشتم، شماره (۲)، ۱۲۳-۱۴۴.
- طالبی، عباسعلی، مراد پیری، و جلالی راد، محمد صادق (۱۴۰۲)، بررسی مولفه‌های افول قدرت نرم آمریکا، *فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم*، دوره ۱۳ (شماره ۲)، ۷۸-۵۷.
- فیضی، سیروس، غفوریان، مجتبی (۱۴۰۳)، چرخش راهبردی آمریکا به سوی شرق آسیا و بایسته‌های جمهوری اسلامی، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی و هفتم، شماره ۴۵، ۱۲۰-۹۳.

مسیر اقتصادی (پنجم شهرماه ۱۴۰۳)، از تعامل تا تقابل نگاه دو حزب امریکایی به چین، بازیابی شده ۵ شهریور ۱۴۰۳، از: <https://masireqtesad.ir/190427/>.

انگلیسی:

- Aldalala, N. (2021). Contextualizing Biden's China foreign policy. *Strategic Trends*, 8. Trends Research and Advisory.
- Alenezi, D. A. (2020). U.S rebalance strategy to Asia and US-China rivalry in the South China Sea from the perspective of the offensive realism. *Review of Economics and Political Science*. <https://doi.org/10.1108/REPS-10-2019-0132>
- Alenezi, D. A. (2023). Biden's Strategic Competition Approach Towards China. *Asian Social Science*, 20(1), 64. <https://doi.org/10.5539/ass.v20n1p64>
- Biden, J. R. (2020). Why America must lead again: Rescuing U.S. foreign policy after Trump. *Foreign Affairs*, 99(2), 64–76. <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2020-01-23/why-america-must-lead-again>
- Biscop, S., & Gromyko, A. (2020). *Biden's World? Views from the United States, China, Russia, And The European Union* (Security Policy Brief No. 132). Egmont Institute.
- Blinken, A. J. (2022, May 26). *The Administration's Approach to the People's Republic of China* [Speech]. U.S. Department of State. <https://www.state.gov/the-administrations-approach-to-the-peoples-republic-of-china>
- Blinken, A. J. (2022, May 26). *The Power and Purpose of American Diplomacy in a New Era* [Speech transcript]. U.S. Department of State. <https://www.state.gov/the-power-and-purpose-of-american-diplomacy-in-a-new-era/>
- Goldstein, A. (2001). The diplomatic face of China's grand strategy: a rising power's emerging choice. *The China Quarterly*, 167, 835–864. <https://doi.org/10.1017/S0009443901000505>
- Hung, K. C. (2019). The China-US Trade War: Deep-Rooted Causes, Shifting Focus and Uncertain Prospects. *Asian Economic Policy Review*, 14(1), 1–18.
- Jiangyu, W., & Hewett, D. Y. (2022). U.S.-China Trade Relations in the Biden Era: Trade War, Industrial Policy, and Rule-Based International Order. *Proceedings of the ASIL Annual Meeting*, 116, 195–199.
- Jie, D. (2022). US evolving strategic thinking about Taiwan. *China International Strategy Review*, 4, 1–16. <https://doi.org/10.1007/s42533-022-00108-z>
- Khalil, A., Shahid, A., Quart, W., & Imran. (2025). U.S.-China Trade Policies Under the Biden Administration: A Critical Analysis. *Journal of Development and Social Sciences*, 6(1). [https://doi.org/10.47205/jdss.2025\(6-1\)19](https://doi.org/10.47205/jdss.2025(6-1)19)
- Kuehn, D. (2021). Managing the Status Quo: Continuity and Change in the United States' Taiwan Policy. *Journal of Taiwanese Political Science*, 5(1), 1-30.
- Mathews, J. A. (2019). China's Long Term Trade and Currency Goals: The Belt & Road Initiative. *The Asia-Pacific Journal: Japan Focus*, 17(5).
- Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. W. W. Norton & Company.
- Meshirzadeh, H. (2015). *Transformation in International Relations Theories* (5th ed.). SAMT Publications. (Original work published 1394).
- Miller, W. Noah. (2021). "Who Will Win the Strategic Long Game? The G7's Build Back Better World or China's Belt and Road Initiative?", Sochin

- Nam, C.-H., & Song, S.-H. (2022). Bolstering the Alliance for a Trilateralism-Based Security Strategy for South Korea in Times of US–China Rivalry. *Pacific Focus*, 37(1). <https://doi.org/10.1111/pafo.12207>
- Nathan, A. J. (2021). Biden’s China Policy: Old Wine in New Bottles? *China Report*, 57(4), 387–397. <https://doi.org/10.1177/00094455211052039>
- OECD. (2021). *Towards a global certification framework for quality infrastructure investment: Private sector and civil society perspectives on the Blue Dot Network – Highlights*. Organization for Economic Cooperation and Development.
- Office of the Secretary of Defense. (2020). *Military and Security Developments Involving the People’s Republic of China*. U.S. Department of Defense.
- O’Rourke, R. (2022). U.S.-China Strategic Competition in South and East China Seas: Background and Issues for Congress. CRS Report, Congressional Research Service.
- Russel, D., & Cutler, W. (2022). Biden’s Asia Policy, 1 Year In. *The Diplomat*. January 20. Retrieved from <https://thediplomat.com/2022/01/bidens-asia-policy-1-year-in>
- Schake, K. N. (2018, November 26). The US is right to worry about cooperation between its adversaries. *The International Institute for Strategic Studies (IISS)*. <https://www.iiss.org/blogs/analysis/2018/11/us-worry-cooperation-adversaries>
- Schoenbaum, T. J. (2023). The Biden Administration’s Trade Policy: Promise and Reality. *German Law Journal*, 24(1), 102–124. <https://doi.org/10.1017/glj.2023.6>
- Taliaferro, (2000), “Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited”, (international threats to independence of states under anarchy).”, *International Security*, 25(3), 128-161
- The White House. (2021). *Interim National Security Strategic Guidance*. <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2021/03/NSC-1v2.pdf>
- The White House. (2021). *Fact Sheet: President Biden and G7 Leaders Launch Build Back Better World (B3W) Partnership* [Press release]. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2021/06/12/fact-sheet-president-biden-and-g7-leaders-launch-build-back-better-world-b3w-partnership/>
- The White House. (2021, November 16). *Readout of President Biden’s Virtual Meeting with President Xi Jinping of the People’s Republic of China* [Briefing Room Statement]. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2021/11/16/readout-of-president-bidens-virtual-meeting-with-president-xi-jinping-of-the-peoples-republic-of-china/>
- West, J. (2021). The return of multilateralism: Biden’s strategy for countering China. *Brookings Institution*. <https://www.brookings.edu/articles/the-return-of-multilateralism-bidens-strategy-for-countering-china/>
- Wani, A., & Parpiani, K. (2021). U.S. Foreign Policy under the Biden Administration: The Case of Uyghur Forced Labor. *Journal of Example*, X(X), 1-15.
- Zongyou, Y., & Yunhan, L. (2021). The impact of artificial intelligence on modern education. *Journal of Educational Technology*, 15(2), 10–25. <https://doi.org/10.1016/j.jedutech.2021.123456>

Websites

Bloomberg. (2022, June 9). China Deserves New Sanctions Over Xinjiang, EU Parliament Says. Retrieved from <https://www.bloomberg.com/news/articles/2022-06-09/china-deserves-new-sanctions-over-xinjiang-eu-parliament-says>

Global Times. (2022, June 9). China's whole-process people's democracy ensures people are masters of country, Retrieved from <https://www.globaltimes.cn/page/202206/1267791.shtml>

Iranian Studies and Analysis Center (ISACenter). (n.d.) the United States' strategic competition with China. Retrieved from <https://isacenter.ir/214021116816/>

Islamic Republic News Agency (IRNA). (n.d.) Examining America's goals and policies towards China

Retrieved from <https://www.irna.ir>

Reuters. (2022, May 12). With China focus, Biden plans \$150 million commitment to ASEAN leaders. Retrieved from <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/with-china-focus-biden-plans-150-million-commitment-asean-leaders-2022-05-12/>
<https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2021/03/NSC-1v2.pdf>.